



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



عزاداری

در چند پرسش و پاسخ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عزاداری در چند پرسش و پاسخ

نویسنده:

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

ناشر چاپی:

دفتر نشر معارف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	عزاداری در چند پرسش و پاسخ
۶	مشخصات کتاب
۶	فلسفه عزاداری
۷	عزاداری در روایات
۸	پیشینه عزاداری
۱۱	روش عزاداری
۱۳	پاورقی
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

عزاداری در چند پرسش و پاسخ

مشخصات کتاب

نویسنده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

ناشر: قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲

فلسفه عزاداری

این مقاله از پرسش‌ها و پاسخ‌های برگزیده ویژه محرم؛ گروه مؤلفان، تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. چاپ اول: قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲، گرفته شده است. آیا پرسش از فلسفه عزاداری امر معقولی است یا خیر؟ با توجه به پدیدار شدن رویکردهای نوین نسبت به تحلیل و تبیین مسائل، انسان معاصر در پی کنکاش و کالبدشکافی مسائل، مفاهیم و حقایقی است که با آنها زندگی می‌کرده و نسبت به آنها باورهای داشته است. در واقع پرداختن به موضوع با نگاهی بیرونی، از ویژگی‌های انسان معاصر است. بر این اساس، آدمی می‌خواهد از بیرون، به مسئله عزاداری بنگرد و آن را مورد بررسی قرار دهد. در حقیقت، عقل وی تا وقتی که توجیهی مقبول از عزاداری به دست نیامد و یا حداقل آن را خردستیز نداند - هرچند خردپذیر نباشد - نمی‌تواند در درون این پدیده قرار گرفته و آن را باور کند. این نوع نگاه به مسائل، بسیار مبارک است؛ چه اینکه بنیان‌های معرفتی انسان را به مسائل اسلامی و مؤلفه‌های فرهنگ شیعی، تقویت می‌کند و نباید فراموش کرد که در پرتو این پشتوانه نظری، ایمان آدمی نیز تعالی می‌یابد؛ زیرا ایمان بر پایه معرفت و خردورزی شکل می‌گیرد. از این رو اگر توجیه و تبیین موجهی از عزاداری ارائه گردد؛ پایه‌های باور جوانان و نسل معاصر، نسبت به این موضوع تقویت خواهد شد. فلسفه عزاداری بر اهل بیت علیهم السلام و فواید آن چیست؟ فلسفه و حکمت عزاداری را می‌توان در امور ذیل، رهیابی کرد: الف. محبت و دوستی: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را بر مسلمانان واجب کرده است. [۱] روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را - چنان که باید و شاید - بجا آورد. یکی از مهم‌ترین لوازم دوستی، هم‌دردی و هم‌دلی با دوستان در مواقع سوگ یا شادی آنان است؛ [۲] از این رو در احادیث، بر برپایی جشن و سرور در ایام شادی اهل بیت علیهم السلام و ابراز حزن و اندوه در مواقع سوگ آنان، تأکید فراوان شده است. حضرت علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: شیعه و پیروان ما در شادی و حزن ما شریکند؛ *يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا*. [۳]. امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: *شِيعَتُنَا جُزْءٌ مِّنَّا خَلِقُوا مِنَّا فَضْلَ طِينَتِنَا يَسُوؤُهُمْ مَا يَسُوْنَا وَيَسُرُّهُمْ مَا يَسُرُّنَا*؛ [۴] شیعیان ما پاره‌ای از خود ما بوده و از زیادی گل ما خلق شده‌اند؛ آنچه که ما را بدحال یا خوشحال می‌سازد، آنان را بدحال و خوشحال می‌گرداند. جز این وظیفه عقلانی و شرعی، ایجاب می‌کند که در ایام عزاداری اهل بیت علیهم السلام، حزن و اندوه خود را به «زبان حال»؛ یعنی، با اشک، آه و ناله و زاری، از نظر خوراک، با کم‌خوردن و کم‌آشامیدن مانند افراد غم‌زده [۵] و از نظر پوشاک، با پوشیدن لباسی که از حیث جنس و رنگ و نحوه پوشش در عرف، حکایت‌گر اندوه و ناراحتی است، آشکار سازیم. ب. انسان‌سازی: از آنجا که در فرهنگ شیعی، عزاداری باید از سر معرفت و شناخت باشد؛ هم‌دردی با آن عزیزان، در واقع یادآوری فضایل، مناقب و آرمان‌های آنان بوده و بدین شکل، آدمی را به سمت الگوگیری و الگوپذیری از آنان سوق می‌دهد. فردی که با معرفت در مجالس عزاداری، شرکت می‌کند؛ شعور و شور، شناخت و عاطفه را درهم می‌آمیزد و در پرتو آن، انگیزه‌ای قوی در او پدیدار گشته و هنگام خروج از مراسم عزاداری، مانند محبی می‌شود که فعال و شتابان، به دنبال پیاده کردن اوصاف محبوب در وجود خویش است. ج. جامعه‌سازی: هنگامی که مجلس عزاداری، موجب انسان‌سازی گشت؛ تغییر درونی انسان به عرصه جامعه نیز کشیده می‌شود و آدمی می‌کوشد تا

آرمان‌های اهل بیت علیهم السلام را در جامعه حکم فرما کند. به بیان دیگر، عزاداری بر اهل بیت علیهم السلام؛ در واقع با یک واسطه زمینه را برای حفظ آرمان‌های آنان و پیاده کردن آنها فراهم می‌سازد. به همین دلیل می‌توان گفت: یکی از حکمت‌های عزاداری، ساختن جامعه براساس الگوی ارائه شده از سوی اسلام است. د. انتقال‌دهنده فرهنگ شیعی به نسل بعد: کسی نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که نسل جدید در سنین کودکی، در مجالس عزاداری با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام آشنا می‌شوند. به راستی عزاداری و مجالس تعزیه، یکی از عناصر و عوامل برجسته‌ای است تا آموزه‌های نظری و عملی امامان راستین، به نسل‌های آینده منتقل شود. مراسم عزاداری، به دلیل قالب و محتوا، بهترین راه برای تعلیم و تربیت نسل جدید و آشنایی آنان با گفتار و کردار اهل بیت علیهم السلام است. فلسفه و حکمت عزاداری بر امام حسین علیه السلام چیست؟ مسئله انسان‌سازی، جامعه‌سازی و انتقال فرهنگ شیعی به نسل بعد در مجالس امام حسین علیه السلام، قوی‌تر نیز می‌باشد؛ زیرا ماهیت قیام امام حسین علیه السلام و نیز آموزه‌های تربیتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عاشورا، در تعالی و بالندگی انسان و جامعه چشم‌گیر بوده و عناصر رویداد کربلا، مؤلفه‌های اساسی و اصلی را در ترسیم فرهنگ شیعی رقم زده است که توسط مراسم سوگواری به نسل بعد منتقل می‌شود. با توجه به بیانات، سخنان و شعارهای عاشورا، می‌توان عناصر انسان‌ساز، جامعه‌ساز و فرهنگ‌ساز را ملاحظه کرد؛ مواردی چون: عبادت، ایثار، شجاعت، توکل، صبر، امر به معروف و نهی از منکر، نابودی اسلام در شرایط سلطه یزیدیان، حرمت بیعت با کسی چون یزید، شرافت مرگ سرخ بر زندگی ذلت‌بار، اندک بودن انسان‌های راستین در صحنه امتحان، لزوم شهادت‌طلبی در عصر حاکمیت باطل، زینت بودن شهادت برای انسان، تکلیف مبارزه با سلطه جور و طغیان، اوصاف پیشوای حق، تسلیم و رضا در برابر خواسته خدا، همراهی شهادت‌طلبان در مبارزات حق‌جویانه، حرمت ذلت‌پذیری برای آزادگان و فرزنانگان مؤمن، پل بودن مرگ برای عبور به بهشت برین، آزادگی و جوانمردی، یاری‌خواهی از همه و همیشه در راه احقاق حق. [۶]. درس آزادی به دنیا داد رفتار حسین بذر همت در جان افشانند، افکار حسینگر نداری دین به عالم، لااقل آزاده باش این کلام نغز می‌باشد ز گفتار حسینمرگ با عزت ز عیش در مذلت بهتر است نغمه‌ای می‌باشد از لعل دربار حسیندر عین حال موارد ذیل علاوه بر موارد پیش گفته، می‌توانند حکمت عزاداری بر امام حسین علیه السلام را تبیین کنند: ۱. نوعی اعتراض به ظالمان زمان و حمایت از مظلومان جهان؛ ۲. عامل تقویت حس عدالت‌خواهی و انتقام‌جویی از ستمگران؛ ۳. زمینه‌ساز اجتماع شیعیان جهت پیروی و دفاع از حق؛

عزاداری در روایات

آیا در مورد برپایی مراسم عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام روایتی وجود دارد؟ روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد؛ به سه روایت در خصوص توصیه ائمه علیهم السلام به برپایی مراسم عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام بسنده می‌کنیم: ۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: رَحِمَ اللَّهُ شِيعَتَنَا، شِيعَتَنَا وَاللَّهِ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ فَقَدْ وَاللَّهِ شَرُّ كُونًا فِي الْمُصِيبَةِ بِطُولِ الْحُزْنِ وَالْحَسْرَةِ؛ [۷]. خداوند شیعیان ما را مشمول رحمت خویش سازد. به خدا قسم، شیعیان ما همان مؤمنین‌اند، آنان به خدا قسم! با حزن و حسرت طولانی خویش [در عزای ما] شریک و هم‌درد مصیبت‌های ما خاندانند. ۲. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا اِزْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَابَكَى لَمْ تَبْكِكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْمُتُيُونَ وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ [۸]. کسی که متذکر مصایب ما شود و به جهت ستم‌هایی که بر ما وارد شده، گریه کند، در روز قیامت با ما خواهد بود و مقام و درجه ما را خواهد داشت و کسی که مصیبت‌های ما را بیان کند و خود بگرید و دیگران را بگریاند؛ در روزی که همه چشم‌ها گریان است، چشم او نگرید و هر کسی در مجلسی بنشیند که در آن مجلس، امر ما را زنده می‌کنند؛ روزی که قلب‌ها می‌میرند، قلب او نخواهد مرد. ۳. امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: تَجَلِّسُونَ وَتَحَدِّثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ، قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُحْيِيهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَى أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ

مِنْ عَيْنِهِ مِثْلَ جَنَاحِ الذَّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ؛ [۹]. آیا مجالس عزا برپا می‌کنید و از اهل بیت و آنچه بر آنان گذشته است، صحبت می‌کنید؟ فضیل گفت: آری قربانت گردم، امام فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم. پس امر ما را زنده گردانید که هر کس امر ما را زنده کند، مورد لطف و مرحمت خدا قرار می‌گیرد. [ای] فضیل: هر کس از ما یاد کند یا نزد او از ما یاد کنند و به اندازه بال مگسی اشک بریزد، خدا گناهانش را می‌آمرزد، اگرچه بیش از کف دریا باشد.

پیشینه عزاداری

آیا عزاداری برای امام حسین علیه السلام، در زمان امامان علیهم السلام سابقه دارد؟ بلی، در اینجا تنها به ذکر نمونه‌های اندکی از آنچه که در تاریخ نقل شده، بسنده می‌کنیم: ۱. عزاداری بنی‌هاشم در ماتم سید الشهدا؛ از امام صادق علیه السلام روایت شده است: پس از حادثه عاشورا هیچ بانویی از بانوان بنی‌هاشم، سرمه نکشید و خضاب نمود و از خانه هیچ یک از بنی‌هاشم دودی که نشانه پختن غذا باشد، بلند نشد تا آنکه ابن زیاد به هلاکت رسید. ما پس از فاجعه خونین عاشورا پیوسته اشک بر چشم داشته‌ایم. [۱۰]. ۲. عزاداری امام سجاد علیه السلام؛ حزن امام سجاد علیه السلام بر آن حضرت به صورتی بود که دوران زندگی او، همراه با اشک بود. عمده اشک آن حضرت بر مصائب سید الشهداء علیه السلام بود و آنچه بر عموها، برادران، عموزاده‌ها، عمه‌ها و خواهرانش گذشته بود تا آنجا که وقتی آب می‌آوردند تا حضرت میل کند، اشک مبارک‌شان جاری می‌شد و می‌فرمود: چگونه بیاشامم در حالی که پسر پیامبر را تشنه کشتند؟ [۱۱] و می‌فرمود: «هرگاه شهادت اولاد فاطمه زهرا علیها السلام را به یاد می‌آورم، گریه‌ام می‌گیرد». [۱۲]. امام صادق علیه السلام به زراره فرمود: جدم علی بن الحسین علیه السلام هرگاه حسین بن علی علیه السلام را به یاد می‌آورد، آن قدر اشک می‌ریخت که محاسن شریفش پر از اشک می‌شد و بر گریه او حاضران گریه می‌کردند. [۱۳]. ۳. عزاداری امام محمد باقر علیه السلام؛ امام باقر علیه السلام در روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام مجلس عزا برپا می‌کرد و بر مصائب آن حضرت گریه می‌کردند. در یکی از مجالس عزا، با حضور امام باقر علیه السلام کمیت شعر می‌خواند، وقتی به اینجا رسید که: «قَتِيلٌ بِالطَّفِّ...»، امام باقر علیه السلام گریه زیاد کرده، فرمودند: ای کمیت! اگر سرمایه‌ای داشتیم، در پاداش این شجرت به تو می‌بخشیدیم؛ اما پاداش تو همان دعایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حسان بن ثابت فرمودند که همواره به جهت دفاع از ما اهل بیت علیهم السلام، مورد تأیید روح القدس خواهی بود. [۱۴]. ۴. عزاداری امام صادق علیه السلام؛ امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: چون ماه محرم فرا می‌رسید، دیگر پدرم خندان نبود؛ بلکه اندوه از چهره‌اش نمایان می‌شد و اشک بر گونه‌اش جاری بود، تا آنکه روز دهم محرم فرا می‌رسید. در این روز مصیبت و اندوه امام به نهایت می‌رسید. پیوسته می‌گریست و می‌فرمود: امروز، روزی است که جدم حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید. [۱۵]. ۵. عزاداری امام موسی کاظم علیه السلام؛ از امام رضاعلیه السلام نقل شده است که فرمود: چون ماه محرم فرا می‌رسید، کسی پدرم را خندان نمی‌دید و این وضع ادامه داشت تا روز عاشورا، در این روز پدرم را اندوه و حزن و مصیبت فرا می‌گرفت و می‌گریست و می‌گفت: در چنین روزی حسین را که درود خدا بر او باد، کشتند. [۱۶]. ۶. عزاداری امام رضاعلیه السلام؛ گریه امام رضاعلیه السلام در حدی بود که فرمودند: همانا روز مصیبت امام حسین علیه السلام پلک چشمان ما را مجروح نموده و اشک ما را جاری ساخته است. [۱۷]. دعبل خدمت حضرت رضاعلیه السلام آمد. آن حضرت درباره شعر و گریه بر سید الشهداء علیه السلام کلماتی چند فرمودند؛ از جمله اینکه: ای دعبل! کسی که بر مصایب جدم حسین علیه السلام گریه کند، خداوند گناهان او را می‌آمرزد. آنگاه حضرت بین حاضران و خانواده خود پرده‌ای زدند تا بر مصایب امام حسین علیه السلام اشک بریزند. سپس به دعبل فرمودند: برای امام حسین علیه السلام مرثیه بخوان، که تا زنده‌ای تو ناصر و مداح ما هستی، تا قدرت داری از نصرت ما کوتاهی مکن. دعبل در حالی که اشک از چشمانش می‌ریخت، قرائت کرد: «أَفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَقَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِسَطِّ فُرَاتٍ» [ای فاطمه! آیا گمان می‌کردی حسین را افتاده بر خاک؟ در

حالی که شهید شد با لب تشنه در کنار رود فرات]. صدای گریه امام رضا علیه السلام و اهل بیت آن حضرت بلند شد. [۱۸]. ۷. عزاداری امام زمان (عج)؛ بنا بر روایات، امام زمان (عج) در زمان غیبت و ظهور بر شهادت جدشان گریه می‌کنند. آن حضرت خطاب به جد بزرگوارشان سید الشهدا علیه السلام می‌فرماید: فَلَيْتَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورَ وَ عَاقَبْتَنِي عَنِ نُصَيْرَتِكَ الْمُقْدُورُ، وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعِدَاوَةَ مُنَاصِبًا فَلَا تُدْبِتُكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ؛ [۱۹]. اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و دور ماندم از یاری تو و نبودم تا با دشمنان تو جنگ کنم و با بدخواهان تو پیکار نمایم؛ هم‌اکنون هر صبح و شام بر شما اشک می‌ریزم و بجای اشک در مصیبت شما خون از دیده می‌بارم و آه حسرت از دل پر درد بر این ماجرا می‌کشم. در سوگ تو با سوز درون می‌گریم از نیل و فرات و شط، فزون می‌گیرم چشمت من، بخشکد تا حشر از دیده بجای اشک، خون می‌گیرم [۲۰]. آیا مراسم عزاداری از دوران صفویه رواج یافت؟ عزاداری بر امام حسین علیه السلام از زمان شهادت او بوده است؛ ولی تا زمان آل بویه (در سال ۳۵۲ ق) این عزاداری مخفی بود. قبل از قرن چهارم، عزاداری برای امام حسین علیه السلام، علنی نبود و نهانی در خانه‌ها انجام می‌گرفت؛ اما در نیمه دوم قرن چهارم، سوگواری در روز عاشورا آشکار و در کوچه و بازار انجام می‌یافت. عموم مورخان اسلامی - مخصوصاً مورخان که وقایع را به ترتیب سنواتی نوشته‌اند؛ از قبیل ابن الجوزی در کتاب منتظم و ابن اثیر در کتاب الکامل و ابن کثیر در کتاب البدایه و النهایه و یافعی در مرآت الجنان و ذهبی و دیگران - در ضمن ذکر وقایع سال ۳۵۲ و سال‌های بعد از آن، کیفیت عزاداری شیعه را در روز عاشورا نوشته‌اند. از جمله ابن الجوزی گفته است: در سال ۳۵۲ معز الدوله دیلمی، دستور داد مردم در روز عاشورا جمع شوند و اظهار حزن کنند. در این روز بازارها بسته شد، خرید و فروش موقوف گردید، قصابان گوسفند ذبح نکردند، هریسه‌پزها، هریسه (هلیم) نپختند، مردم آب ننوشیدند، در بازارها خیمه به پا کردند و به رسم عزاداری بر آنها پلاس آویختند، زنان به سر و روی خود می‌زدند و بر حسین علیه السلام ندبه می‌کردند. [۲۱]. به قول همدانی: در این روز، زنان موی پریشان در حالی که [به رسم عزاداری] صورت‌های خود را سیاه کرده بودند، در کوچه‌ها به راه افتادند و برای عزای امام حسین علیه السلام سیلی به صورت خود می‌زدند. [۲۲]. بنا بر گفته یافعی: این نخستین روزی بود که برای شهیدان کربلا سوگواری می‌شد. [۲۳] ابن کثیر در ضمن وقایع سال ۳۵۲ گفته است: که اهل تسنن قدرت منع شیعه را از این اعمال نداشتند؛ زیرا شماره شیعه بسیار و نیروی حکومت نیز با ایشان بود. از سال ۳۵۲ تا اواسط قرن پنجم - که آل بویه از میان رفتند - در بیشتر سال‌ها مراسم عاشورا به ترتیب مزبور، کم و بیش انجام می‌گرفت و اگر عاشورا با عید نوروز یا مهرگان مصادف می‌گردید، انجام مراسم عید را به تأخیر می‌انداختند. [۲۴]. در همین سال‌ها که فاطمیه و اسماعیلیه، تازه مصر را به تصرف آورده و شهر قاهره را بنا نهاده بودند، مراسم عاشورا در مصر انجام می‌یافت. بنا بر نوشته مقریزی: در روز عاشورای ۳۶۳، جمعی از شیعه مطابق معمول خود (از این جمله معلوم می‌شد که مراسم مزبور در سال‌های قبل نیز معمول بوده است)، به مشهد کثوم، و نفیسه (از فرزندان امام حسن علیه السلام) رفتند و در آن دو مکان، شروع به نوحه‌گری و گریه بر امام حسین علیه السلام کردند. مراسم عاشورا در زمان فاطمیان هر سال برپا می‌شد: بازارها را می‌بستند و مردم دسته‌جمعی در حالی که با هم ابیاتی در مصیبت کربلا می‌خواندند و نوحه‌گری می‌کردند؛ به مسجد جامع قاهره می‌رفتند. [۲۵]. بعد از آن به دلیل در انزوا قرار گرفتن تشیع، مراسم عزاداری خیلی علنی نبود، هر چند وضعیت بهتر از قبل زمان آل بویه بود. آنچه از بعضی منابع به دست می‌آید - خصوصاً کتاب روضه الشهداء کاشفی - قبل از زمان صفویه نیز مجالس سوگواری برای اباعبدالله علیه السلام برپا می‌شده است. [۲۶] پس از صفویه به دلیل ترویج تشیع، عزاداری شکل عام و علنی‌تری به خود گرفت. منشأ زنجیرزنی، سینه‌زنی، تعزیه و علامت از کدام فرهنگ و ملل است؟ «زنجیرزنی»، از هندوستان و پاکستان به ایران آمده است. از آنجا که برخی به وضع نامناسبی با زنجیر عزاداری کرده و موجب زخمی شدن بدن و خون آمدن آن می‌گشت، برخی از علما به حرمت آن فتوا دادند؛ ولی اگر این عمل به شیوه‌ای انجام شود که موجب صدمه به بدن و تقبیح عاقلان نگشته و زمینه را برای وهن آموزه‌های عاشورا فراهم نسازد،

اشکالی ندارد؛ چنان که در عموم عزاداری‌های ایران در خصوص زنجیرزنی، به دلیل رعایت شؤون عزاداری این نوع سوگواری رایج است. [۲۷]. اصل سنت «سینه‌زنی» در میان عرب‌ها رایج بوده و بعدها به صورت موجود درآمده است که با انتخاب نوحه‌های سنگین، حرکات دست بر سینه می‌خورد. این گونه عزاداری ابتدا به صورت فردی بوده و زمانی که سوگواری علنی و گسترده شد - خصوصاً در زمان صفویه - به شکل گروهی درآمده است. [۲۸]. «تعزیه»، عبارت است از مجسم کردن و نمایش دادن واقعه جانسوز عاشورا، ظاهراً این نوع عزاداری در دوره کریم‌خان زند در ایران معمول و در زمان صفویه رایج شد و در زمان ناصرالدین شاه گسترش یافت. منشأ آن هم مشاهدات شاه در سفرهای خود از تئاترهای اروپا بوده که این امر، نمایش‌دهی را در واقعه عاشورا عینی ساخته است. باید توجه داشت که اجرای تعزیه، مخصوص ایران نبوده و در کشورهای اسلامی و شیعی دیگری نیز این سنت مورد توجه بوده است و با سبک‌های گوناگون و اعتقادات و مراسم مختلف و ابزار و ادوات دیگری اجرا می‌شود؛ از جمله در هند و پاکستان که رواج بیشتری دارد. [۲۹]. «علامت»، از ابزار و وسایل عزاداری امام حسین علیه السلام است که در هیئت‌ها و دسته‌های مذهبی به کار گرفته می‌شود. این ابزار پس از ارتباط ایران با اروپایی‌ها در عصر قاجار، از آیین‌های مذهبی مسیحیت اقتباس شده است. این ابزار، نماد و مظهری است که گاهی عزاداران را از محتوا و اصل عزاداری و اقامه شعائر دینی بازمی‌دارد. [۳۰]. آیا شیوه‌های عزاداری که در زمان صدر اسلام وجود نداشته است، یک نوع بدعت‌گذاری در دین نیست؟ یکم. باید توجه کرد که شیوه‌های عزاداری، غیر از ماهیت عزاداری است. در واقع عزاداری یک اصلی است که به گونه‌های متفاوت و در شکل‌های مختلف، ظهور می‌کند؛ بنابراین آنها صرفاً یک ابزارند نه بیشتر. دوم. ابزار و اظهار ماهیت باید با محتوای عزاداری و مغز پیام متناسب باشد؛ به صورتی که بتواند با بهترین، شیواترین، نافذترین و نافع‌ترین وجهی، پیام و درس و آموزه را به دیگران منتقل کند. به بیان دیگر، باید لباسی باشد که به قامت آن راست آید؛ نه کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر. اگر کوچک باشد، که همه پیام را پوشش نمی‌دهد و اگر بزرگ‌تر باشد، ذهن مخاطب را منحرف می‌کند و او را از اصل فهم حقیقت بازمی‌دارد. سوم. می‌توان برای ابلاغ محتوای پیام، از ابزارهایی که در فرهنگ و تمدن ملل گوناگون وجود دارد سود جست و آنها را به خدمت گرفت؛ چنان که اسلام زبان اردو را در هند به خدمت گرفت و آن را ابزاری برای صدور اسلام به شبه قاره قرار داد. یا فلسفه را از یونان گرفت و آن را در خدمت آموزه‌های وحیانی گذاشت و... چهارم. اسلام به آداب و رسوم ملل تا زمانی که با آموزه‌های اصلی و گوهر اسلام در تضاد و تهافت نباشد، احترام گذاشته و هیچ منعی نسبت به آنها روا نمی‌دارد؛ مثلاً اسلام هیچ گاه برای زبان و رنگ لباس و کیفیت غذای ملل مختلف، فنون، صنایع و علوم - مادامی که با روح اسلام منافات نداشته باشد - محدودیتی قائل نیست. با توجه به آنچه گفته شد، از دیدگاه اسلام «عزاداری و سوگواری» اهل بیت‌علیهم السلام، می‌تواند در قالب‌ها، فرم‌ها و ابزاری که در میان ملل و اقوام مختلف مرسوم بوده، محقق می‌شود و به شیوه‌های گوناگون تجلی یابد. این تا زمانی است که قالب‌ها؛ شکل‌ها، شیوه‌ها و گونه‌ها، به اصل پیام و محتوا لطمه وارد نسازد؛ بلکه به بهترین نحو پیام را در ذهن و جان مخاطب جای دهد. از این رو استفاده از شیوه‌های عزاداری که در زمان صدر اسلام نبوده (مانند زنجیرزنی، سینه‌زنی، تعزیه و...) نه تنها بدعت در دین نیست؛ بلکه مددکار اسلام بوده و می‌تواند در حد خود، شعارهای عاشورا و اهل بیت‌علیهم السلام را به گوش انسان معاصر رسانده و قلب او را به سمت باور بدان‌ها سوق دهد. در هر حال تأکید می‌کنیم که اینها تنها ابزارند نه بیشتر و باید همواره جنبه ابزاری آنها حفظ شود؛ نه آنکه خدای ناکرده ابزار بر جان مسئله فائق آید! ابزار تنها پلی برای گذشتن و رسیدن به بن و مایه مطلب است و هیچ گاه هدف اولی نمی‌باشد. آنچه گاهی مشاهده می‌شود، متأسفانه همین قصه تلخ است که عده‌ای از روی نادانی، به ظاهر بیش از باطن اهمیت می‌دهند و اصل موضوع را مغفول می‌گذارند. چرا عزاداری سایر امامان علیهم السلام، مانند عزاداری امام حسین علیه السلام نیست؟ این به دلیل گستره کمی و کیفی واقعه عاشورا است. وضعیت خاص جهان اسلام و مسلمانان، حالات حاکمان مسلمان و ظلم‌های فراوان آنان، دربند کشیده شدن انسانیت و آزادی، تحقیر امت اسلامی، سلب امنیت، تشدید ظلم علیه شیعیان، فراموشی آموزه‌هایی چون امر به معروف

و نهی از منکر، شیوع بدعت‌ها و ورود آنها به دین، اخلال در وحدت مسلمانان، فراموشی اخلاق اسلامی و انسانی و... از یک سو و موقعیت ویژه اباعبدالله علیه السلام از جهت مظلومیت و تنهایی، کیفیت برخورد مسلمانان به ظاهر دوست با حضرت، نوع جنگ و برخورد فیزیکی با آن حضرت و اصحاب و اهل و عیالش، آموزه‌ها و درس‌های تربیتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی به خصوص امام حسین علیه السلام از سوی دیگر؛ [۳۱] همه و همه شکل خاصی به این حادثه داده است که ابعاد گوناگون، پیچیده و ژرف آن، موضوعات و مسائل فراوانی را برای تحقیق و پژوهش فراروی محققان قرار داده است و این با توجه به وجود هزاران کتابی است که تاکنون در زمینه این رویداد، به نگارش درآمده است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و معصومان پس از اباعبدالله علیه السلام؛ به دلیل همین ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد قصه کربلا، این همه بر احیای یادکرد آن در قالب عزاداری تأکید فرموده‌اند. [۳۲]. به هر روی نفس حوادث عاشورا و ابعاد گوناگون آن، آن را واقعه‌ای بی نظیر در تاریخ ساخته است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ» [۳۳] و روشن است که نکوداشت هر واقعه‌ای، به گستردگی آن بستگی دارد و چون حادثه عاشورا چنین است، عزاداری آن نیز کم‌ و کیفاً با عزاداری برای واقعه‌های دیگر قابل مقایسه نیست.

روش عزاداری

عزاداری برای امام حسین تا چه اندازه مجاز است؟ با توجه به حکمت عزاداری بر اهل بیت علیهم السلام - به خصوص امام حسین علیه السلام - حد عزاداری را شرع و عقل تعیین می‌کنند. اگر عزاداری در شیوه‌هایی اجرا شود که شور را بر شعور غالب سازد و به نوعی موجب انحراف از فلسفه عزاداری گردد؛ خارج از حدود عزاداری مشروع، مقبول، موجه و معقول است. اگر قالب‌های عزاداری به گونه‌ای باشد که عقلای جامعه، آن را تقییح کرده، آن را موجب وهن مذهب و آموزه‌های اصلی عاشورا می‌دانند، قطعاً حد غیر مجاز عزاداری خواهد بود. گفتنی اینکه شکل و صورت عزاداری، باید به گونه‌ای باشد که بتواند هسته و محتوای اصلی پیام عاشورا را به مردم ابلاغ کند و باور انسان‌ها را نسبت به آنها تقویت نماید، ولی اگر این ظاهر به صورتی درآید که نه تنها باطن و مغز را نشان ندهد، بلکه باعث گردد اصل مسئله و موضوع خدشه‌دار شود، شکل و صورت مناسبی نخواهد بود و این لباس بر قامت این تن رعنا، راست نخواهد آمد. به عنوان مثال قمه‌زنی - که یک گونه خاص عزاداری است - نه تنها شعارها و گفتارهای اصلی عاشورا را به درستی ابلاغ نمی‌کند؛ بلکه چنانچه مقام معظم رهبری فرمودند، موجب وهن قضیه کربلا می‌گردد و لذا غیر مجاز است. [۳۴]. با توجه به ابهت و شوکتی که حضرت امام حسین علیه السلام داشتند، چرا در برخی مراسم و مجالس، چهره مظلوم و خوار، از ایشان ترسیم می‌کنند چگونه توجیه می‌شود؟ عزت - به معنای سخت، محکم و استوار بودن - صفت پسندیده‌ای است که در برخی آیات قرآنی بر آن پافشاری شده و آن را زینده خداوند، و رسولش و مؤمنان دانسته است. [۳۵]. امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان، با تأسی به این آموزه قرآنی در گفتار و عمل همواره پیش قدم بودند و هیچ گونه زبونی و ذلت را تاب نیاوردند تا آنجا که «هَيْهَاتَ مِّنَّا الذُّلَّةُ» به یکی از شعارهای اصیل نهضت عاشورایی تبدیل شد. اما متأسفانه در بعضی از منابع و نوشته‌ها - که دستمایه برخی از مجالس عزاداری نیز هست - عنصر عزت در سیره نهضت سید الشهداء علیه السلام مفقود و مغفول است. ریشه و عامل روانی این شیوه، در این نکته نهفته است که برخی از مبلغان نهضت حسینی، بجای آنکه سعی و تلاش خود را در افزایش شناخت مردم با ابعاد گوناگون این واقعه عظیم قرار دهند؛ تنها به تحریک احساسات و عواطف آنان پرداخته و برای این منظور به نقل مطالب از هر منبع غیر موثق و غیر مستند روی می‌آورند و چهره‌ای ذلیلانه از نهضت اباعبدالله علیه السلام برای مردم ترسیم می‌کنند! به هر روی، بیان پاره‌ای از مطالب - که صورتی رقت‌بار و به دور از عزت برای امام حسین علیه السلام و اصحاب و همراهان وی مطرح می‌سازد - با اصل غیرتمندی دین اسلام و سیره نبوی و علوی و اهل بیت علیهم السلام ناسازگار و کاری غیر

موجه است. البته روایت «مظلومیت اباعبدالله علیه السلام»؛ به معنای تحلیل ظلم‌های مستندی که بر حضرت و صحابه او رفت، هیچ منافاتی با عزتمندی آن شخصیت عظیم ندارد؛ بلکه عزت سید الشهداء و همراهانش را بیشتر روشن می‌سازد؛ زیرا با تبیین ظلم دشمنان آن حضرت و چگونگی برخورد اباعبدالله علیه السلام با آن و تشریح ابعاد ظلم‌ستیزی ایشان، مشخص می‌گردد که روحیه عزیزانه چگونه و در چه قالبی می‌تواند در برابر ظلم ایستادگی کند. چرا برای بزرگداشت عاشورا به روش بحث و گفت‌وگو اکتفا نمی‌شود؟ آیا زنده نگه داشتن یاد عاشورا فقط منحصر به این است که انسان سینه‌زنی و گریه کند، شهر را سیاه‌پوش کند، مردم تا نیمه‌های شب به عزاداری بپردازند و حتی گاهی روزها کار و زندگی خود را تعطیل کنند؛ مخصوصاً با توجه به اینکه این امور ضررهای اقتصادی به دنبال دارد. آیا ممکن نیست این خاطره‌ها به گونه‌ای تجدید شود که ضررهای اقتصادی و اجتماعی کمتری داشته باشد، مثلاً جلسات بحث، میزگرد یا سمینارهایی ترتیب داده شود، و با تماشای بحث و گفت‌وگو خاطره این حادثه برای مردم تجدید شود؟ بحث درباره شخصیت سید الشهداء علیه السلام در قالب تشکیل میزگردها، کنفرانس‌ها، سخنرانی‌ها، نوشتن مقالات و امثال این قبیل کارهای فرهنگی، علمی و تحقیقات، بسیار مفید و لازم است و البته در جامعه ما نیز انجام می‌شود و به برکت نام سیدالشهداء علیه السلام و عزاداری آن حضرت، بحث، گفت‌وگو و تحقیقات زیادی درباره این امور صورت می‌گیرد و مردم نیز معارف را فرا می‌گیرند. این فعالیت‌ها بجای خود لازم است، اما آیا برای اینکه ما از حادثه عاشورا بهره‌برداری کامل کنیم، این اقدامات کافی است؟ یا اینکه امور دیگری نیز مثل همین عزاداری‌ها بجای خود لازم است؟ جواب دادن به این سؤال متوقف بر این است که ما نظری روان‌شناسانه به انسان بیندازیم و ببینیم عواملی که در رفتار آگاهانه ما مؤثر است، فقط عامل شناختی و معرفت است یا عوامل دیگری هم در شکل دادن رفتارهای اجتماعی ما مؤثر است. هنگامی که در رفتارهای خود دقت کنیم، درمی‌یابیم که در رفتارهای ما دست کم دو دسته از عوامل نقش اساسی ایفا می‌کنند. یک دسته عوامل شناختی که موجب می‌شود انسان مطلبی را بفهمد و بپذیرد. طبعاً مطلب مورد نظر از هر مقوله‌ای که باشد، متناسب با آن از استدلال عقلی، تجربی و یا راه‌های دیگر استفاده می‌شود. قطعاً شناخت در رفتار ما تأثیر زیادی دارد، اما یگانه عامل مؤثر نیست. عوامل دیگری هم هستند که شاید تأثیر آنها در رفتار ما بیشتر از شناخت باشد. این عوامل را به طور کلی احساسات و عواطف، تمایلات، گرایش‌ها می‌نامند. اینها سلسله‌ای از عوامل درونی و روانی است که در رفتار ما مؤثر است. هرگاه شما رفتار خود را تحلیل کنید، - خواه رفتار مربوط به زندگی فردی و خانوادگی، خواه رفتار اجتماعی و یا سیاسی شما باشد - خواهید دید، عامل اصلی که شما را به انجام آن رفتار واداشته، چه بسا عوامل تحریک‌کننده و برانگیزاننده باشد. مرحوم شهید استاد مطهری در این باره می‌فرماید: عاملی باید در درون ما باشد تا ما را برانگیزاند. باید برای هر کاری میلی داشته باشیم تا آن کار را انجام دهیم. باید شور و شوقی نسبت به انجام آن کار پیدا کنیم، علاقه‌ای نسبت به آن کار داشته باشیم تا بر انجام آن اقدام کنیم. فقط شناخت کافی نیست تا ما را به حرکت درآورد. عامل روانی دیگری نیاز داریم تا ما را به سوی کار برانگیزاند و به طرف انجام کار سوق دهد. این گونه عوامل را انگیزه‌های روانی، احساسات و عواطف و مانند آنها می‌نامند. این عوامل در مجموع، میل به حرکت را در انسان به وجود می‌آورد، عشق به انجام کار را ایجاد می‌کند و شور و هیجان به وجود می‌آورد. تا این عوامل نباشد کار انجام نمی‌گیرد. حتی اگر انسان به یقین بداند که فلان ماده غذایی برای بدن او مفید است، اما تا اشتها نداشته باشد و یا تا اشتهای او تحریک نشود، به سراغ خوردن آن غذا نمی‌رود. اگر فرضاً اشتهای کسی کور شود و یا به بیماری مبتلا شود که اشتها پیدا نکند، هر چه به او بگویند که این ماده غذایی برای بدن او خیلی مفید است، تمایلی به خوردن آن پیدا نمی‌کند؛ پس غیر از آن دانستن، باید این میل و انگیزه نیز در درون انسان باشد. مسائل اجتماعی و سیاسی هم همین حکم را دارد. هر چه شخص بداند فلان حرکت اجتماعی خوب و مفید است، تا انگیزه‌ای برای انجام آن حرکت نداشته باشد، حرکتی انجام نمی‌دهد. حال، بعد از اینکه پذیرفتیم برای حرکت‌های آگاهانه و رفتارهای انسانی، دو دسته عوامل شناختی و انگیزشی یا عواطف و احساسات لازم است و بعد از اینکه دانستیم حرکت سید الشهداء علیه السلام چه نقش مهمی

در سعادت انسان‌ها داشته است، متوجه خواهیم شد این شناخت خود به خود برای ما حرکت آفرین نمی‌شود. هنگامی دانستن و به یاد آوردن آن خاطره‌ها ما را به کاری مشابه کار امام و به پیمودن راه او وامی‌دارد که در ما نیز انگیزه‌ای به وجود آید و براساس آن، ما هم دوست داشته باشیم آن کار را انجام دهیم. خود شناخت، این میل را ایجاد نمی‌کند؛ بلکه باید عواطف ما تحریک شود و احساسات ما برانگیخته شود تا اینکه ما هم بخواهیم کاری مشابه کار او انجام دهیم. جلسات بحث و گفت‌وگو و سخنرانی‌ها می‌تواند آن بخش اول را تأمین کند؛ یعنی، شناخت لازم را به ما بدهد، اما عامل دیگری هم برای تقویت احساسات و عواطف لازم داریم، البته خود شناخت، یادآوری و مطالعه یک رویداد می‌تواند نقشی داشته باشد، اما نقش اساسی را چیزهایی ایفا می‌کند که تأثیر مستقیمی بر احساسات و عواطف ما داشته باشد. هنگامی که صحنه‌ای بازسازی می‌شود و انسان از نزدیک به آن صحنه می‌نگرد، این مشاهده با هنگامی که انسان بشنود چنین جریانی واقع شده، یا اینکه فقط بداند چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده است، بسیار تفاوت دارد. نمونه این مسئله را شما خود بارها تجربه کرده‌اید. مکرراً حوادث عاشورا را شنیده‌اید و در ذهن شما جای گرفته است. می‌دانید امام حسین علیه السلام روز عاشورا چگونه به شهادت رسید، اما آیا دانسته‌های شما اشک شما را جاری می‌کند؟ وقتی در مجالس شرکت می‌کنید و مرثیه‌خوان مرثیه می‌خواند، مخصوصاً اگر لحن خوبی هم داشته باشد و به صورت جذابی داستان کربلا را برای شما بیان کند، آنگاه می‌بینید که بی‌اختیار اشک شما جاری می‌شود. این شیوه می‌تواند در تحریک احساسات شما تأثیر داشته باشد که خواندن و دانستن، چنان اثری را ندارد. به همین نسبت آنچه دیده می‌شود، به مراتب مؤثرتر از شنیدن هاست. منظور از این توضیحات آن بود که ما علاوه بر اینکه باید بدانیم چرا ابا عبدالله علیه السلام قیام کرد، بدانیم که چرا مظلومانه شهید شد، باید این مطلب به گونه‌ای برای ما بازسازی شود تا عواطف و احساسات ما برانگیخته‌تر شود. هر اندازه اینها در برانگیخته‌تر شدن عواطف و احساسات ما مؤثرتر باشد، حادثه عاشورا در زندگی ما مؤثرتر خواهد بود. بنابراین صرف بحث و بررسی عالمانه واقعه عاشورا، نمی‌تواند نقش عزاداری را ایفا کند. باید صحنه‌هایی در اجتماع به وجود آید که احساسات مردم را تحریک کند. همین که صبح از خانه بیرون می‌آیند، می‌بینند شهر سیاه‌پوش شده است، پرچم‌های سیاه نصب شده است... خود این تغییر حالت، دل‌ها را تکان می‌دهد. گرچه مردم می‌دانند فردا محرم است، اما دیدن پرچم سیاه، اثری را در دل آنان می‌گذارد که دانستن اینکه فردا اول محرم است، آن اثر را نمی‌گذارد. راه انداختن دسته‌های سینه‌زنی با آن شور و هیجان خاص خود می‌تواند، آثاری را به دنبال داشته باشد که هیچ کار دیگر آن آثار را ندارد. اینجاست که متوجه می‌شویم چرا حضرت امام‌رحمه الله بارها می‌فرمود آنچه داریم از محرم و صفر داریم. چرا این همه اصرار داشت که عزاداری به همان صورت سنتی برگزار شود؟ چون در طول سیزده قرن تجربه شده بود که این امور نقش عظیمی در برانگیختن احساسات و عواطف دینی مردم ایفا می‌کند و معجزه می‌آفریند. تجربه نشان داده که بیشتر پیروزی‌هایی که در دوران انقلاب و یا در دوران جنگ در جبهه‌ها حاصل شد، در اثر شور و نشاطی بود که مردم در ایام عاشورا و به برکت نام سیدالشهدا علیه السلام حاصل می‌کردند. این تأثیر کمی نیست. با چه قیمتی می‌شود چنین عاملی را در اجتماع آفرید که این همه شور و حرکت در مردم ایجاد کند؟ این همه عشق مقدس بیافریند، تا جایی که افراد را برای شهادت آماده کند؟ اگر بگوییم در هیچ مکتبی و یا در هیچ جامعه‌ای چنین عاملی وجود ندارد، سخن گزافی نگفته‌ایم.

پاورقی

[۱] ر. ک: سوره شوری، آیه ۲۳؛ سوره هود، آیه ۲۹؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۶.

[۲] ر. ک: المحبۃ فی الكتاب و السنۃ، ص ۱۷۰ - ۱۶۹ و ۱۸۲ - ۱۸۱.

[۳] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

[۴] امالی، ص ۳۰۵.

- [۵].
- [۶] در این خصوص ر. ک: فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۱ - ۲۶۸؛ حسین، عقل سرخ، ص ۱۱۹ - ۷۷؛ امام حسن و امام حسین علیه السلام، ص ۱۲۱ - ۱۱۶.
- [۷] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۲.
- [۸] همان، ص ۲۷۸.
- [۹] همان، ص ۲۸۲ و ۲۸۹.
- [۱۰] ر. ک: امام حسن و امام حسین علیه السلام، ص ۱۴۵.
- [۱۱] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۴۵.
- [۱۲] خصال، ج ۱، ص ۱۳۱.
- [۱۳] بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۰۷.
- [۱۴] مصباح المتعجب، ص ۷۱۳.
- [۱۵] امام حسن و امام حسین علیه السلام، ص ۱۴۳.
- [۱۶] حسین، نفس مطمئنه، ص ۵۶.
- [۱۷] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.
- [۱۸] همان، ج ۴۵، ص ۲۵۷ «مُجَدَّل» یعنی بر خاک افتاده شده.
- [۱۹] بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۰.
- [۲۰] مصطفی آرننگ به نقل از اشک حسینی، سرمایه شیعه، ص ۶۶.
- [۲۱] المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۷، ص ۱۵.
- [۲۲] تکملة تاریخ الطیبی، ص ۱۸۳.
- [۲۳] مرآت الجنان، ج ۳، ص ۲۴۷. مقصود عزاداری به طور علنی است.
- [۲۴] النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و قاهره، ج ۴، ص ۲۱۸.
- [۲۵] الخطط، مقریزی، ج ۲، ص ۲۸۹. و نیز ر. ک: النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۱۲۶، (بخش وقایع سال ۳۶۶)؛ اتعاض الحنفاء، مقریزی، ج ۲، ص ۶۷ به نقل از: سیاهپوشی در سوگ ائمه نور، ص ۱۶۲ - ۱۶۱.
- [۲۶] در این خصوص ر. ک: مقالات تاریخی، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۲۰۶ - ۱۸۵، ۲۰۱ - ۱۸۳.
- [۲۷] موسوعة العتبات المقدسة، ج ۸، ص ۳۷۸.
- [۲۸] موسیقی مذهبی ایران، ص ۲۶.
- [۲۹] همان، ص ۳۳-۳۵ و درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، ص ۸۶، کیهان فرهنگی، مهر ۶۳، ص ۲۷.
- [۳۰] فرهنگ عاشورا، ص ۳۴۶.
- [۳۱] در این خصوص ر. ک: حسین، نفس مطمئنه، ص ۱۸ - ۵.
- [۳۲] ر. ک: بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۲۳، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۳ و....
- [۳۳] شیخ صدوق، امالی، ص ۷۷.
- [۳۴] در این خصوص ر. ک: پیرامون عزاداری عاشورا، (مجموعه سخنان، استفتائات و جواب‌های مقام معظم رهبری در خصوص عاشورا).

[۳۵] ر. ک: سوره نساء، آیه ۱۳۹؛ سوره منافقون، آیه ۸. و در روایات نیز بر این مهم تأکید شده است. ر. ک: نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳ و ۳۷۱؛ منتخب میزان الحکمه، ص ۳۴۶ و...

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

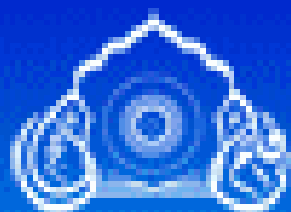
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

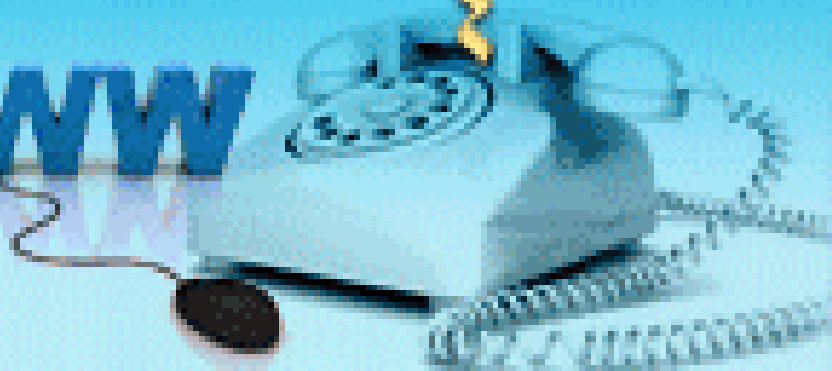


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

